

هیولا وارد می‌شود

کووید ۱۹،

آنفلوآنزای مرغی و بلایای سرمایه‌داری

نویسنده: مایک دیویس | مترجم: محمد نصیری

نشد

نشر صاد

عنوان: هیولا وارد می شود
کووید ۱۹، آنفلانزای مرغی و بلایای سرمایه داری

نویسنده: مایک دیویس

مترجم: محمد نصیری

ویراستار: مریم ترکمیان

نمونه خوان: سید مجتبی جعفری زوج

طراح جلد: حسن کریم زاده

طراح جلد: حسن کریم زاده

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۵۹۹۶-۴۴-۱

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ

و متعلق به نشر صاد است

نشانی: تهران - خیابان کریم خان زند
بین خیابان ایرانشهر و ماهشهر - پلاک ۱۴۶ - طبقه دوم

شمارگان: ۵۰۰

سرشناسه: دیویس، مایک، ۱۹۷۲-م.

عنوان و نام پدیدآور: هیولا وارد می شود: کووید ۱۹، آنفلانزای

مرغی و بلایای سرمایه داری.

مشخصات نشر: تهران: نشر صاد، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۸۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۵۹۹۶-۴۴-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

شناسه افزوده: نصیری، محمد، ۱۳۴۷-، مترجم

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۲۸۶۸۹

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۳	مقدمه: هیولا وارد می شود
۱۵	کرونا ویروس ها؛ کسوف های مرگ بار
۲۵	فریاد در خلأ واشنگتن
۲۵	اسب رنگ پریده، سوار رنگ پریده
۳۴	آخرازمان با شش گام ساده
۴۱	خیابان های نالان
۴۵	آموزه های ووهان
۵۱	پیشگفتار: هیولا دم در است
۵۷	فصل اول: زهر فقر
۶۷	فصل دوم: پرندگان هنگ کنگ
۷۷	فصل سوم: یک داستان درهم برهم
۸۹	فصل چهارم: شگفتانه دنیاگیری
۱۰۱	فصل پنجم: مثلث بدشگون
۱۱۳	فصل ششم: بلا و سود
۱۲۹	فصل هفتم: بر لبه مفاک
۱۳۷	فصل هشتم: ناامنی در مام میهن
۱۴۹	فصل نهم: ناسازواری های ساختاری
۱۵۹	فصل دهم: الگوی تایتانیکی
۱۶۹	فرجام: سال خروس
۱۷۳	نمایه

مقدمه مترجم

مایک دیویس (زاده آمریکا، ۱۹۶۶) یکی از خوش نام‌ترین اندیشمندان معاصر است که با بهره‌گیری از اندیشه‌های سبک چپ، در پی واکاوی مدرنیته بالغ انتهای قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم است. او برای سرشت‌نمایی مدرنیته و سرمایه‌داری امروزی، به تالار افتخارات نئولیبرالیسم و نظم نوین جهانی می‌رود و وضعیت کنونی جهان را با خیره‌شدن به انگاره‌های جهانی‌سازی و شهری‌سازی و دگرگونی‌های بوم‌شناختی خوانش می‌کند.

به نظر او، فرایندهای بالا که می‌توان به شکل کوتاه، نئولیبرالیسم خواندشان، اوج قربانی‌سازی تهی‌دستان هستند. او، این قربانی‌سازی تهی‌دستان را در هر گوشه‌کنار می‌بیند؛ از زاغه‌های شهری گرفته تا الگوی پراکندگی شیوع بیماری‌های ویروسی، به‌ویژه شیوع ویروس کرونا.

نویسنده با بهره‌گیری از تجربه تلخ انسان‌ها در رویارویی با بیماری‌های ویروسی قرن بیست و یکم (سارس، آنفلوآنزای مرغی، ابولا و کرونا) می‌کوشد در این کتاب نشان دهد که نئولیبرالیسم (به قول زیرعنوان کتاب، سرمایه‌داری) چگونه در پدیدآیی، تکامل و پخش و گسترش این ویروس‌ها نقش داشته است.

او با روایتی دل‌انگیز و دلهره‌آور، ما را با فرانکنشتاینی رودررو می‌کند که ساخته انسان‌هاست و بیش از هر چیز، ساخته نابرابری اقتصادی انسان‌ها. او کار خود را با معرفی کوتاه چیستی ویروس و راه‌های تکامل آن آغاز می‌کند و با یک پاسخ ساده به ما نشان می‌دهد این همه ویروس‌های نوبه‌نو و مرگ‌بار از کجا می‌آیند: وجود دو ویروس آنفلوآنزا در یک بدن و ترکیب یا بازآرایی آن‌ها می‌تواند مایه یک جهش سهمگین و مرگ‌بار در ویروس باشد. عجب، پس این ویروس‌های مرگ‌بار از آسمان نازل نمی‌شوند! این ویروس‌ها زمینی هستند و در کنار گوش ما تکامل می‌یابند. نمونه پایین بسیار گویاست:

در مزرعه‌های غول‌آسای پرورش دام و ماک‌ی که سرمایه‌داری شرکتی به راه انداخته است، ده‌ها هزار حیوان از گونه‌های مختلف را در یک سوله کنار یکدیگر قرار می‌دهند (مثلاً پرندگان در کنار خوک‌ها). لازم نیست ریاضی‌دان باشیم تا بفهمیم در این حالت، «احتمال» ترکیب مرگ‌بار دو ویروس مرغی و خوکی در بدن تنها یکی از این حیوان‌ها و انتقال آن به حیوان‌های دیگر چقدر زیاد است! اکنون چیزی حدود ۱ میلیارد خوک اهلی، ۱٫۵ میلیارد گاو اهلی و ۲۰ میلیارد جوجه در جهان وجود دارد که بیشتر آن‌ها در همین مزرعه‌های (بهتر است بگوییم سوله‌ها) صنعتی و سرمایه‌دارانه درهم چیده‌اند.

باین وصف، پیدایش ویروس‌های مرگ‌بار عجیب نیست، عجیب آن است که شمار این ویروس‌ها هنوز خیلی کم است و این از خوش‌شانسی ماست؛ ولی کیست که تضمین کند این خوش‌شانسی فردا هم پابرجا خواهد بود؟ به قول کلاوس اشتور، یکی از مدیران سابق سازمان بهداشت جهانی، ما «داریم در وقت اضافه زندگی می‌کنیم».

البته باید سخن اشتور را این‌گونه اصلاح کرد:

«فقر دارند در وقت اضافه زندگی می‌کنند.»

این ویروس‌ها پس از پخش و گسترش، بیشتر قربانیان خود را از میان تهی‌دستان برمی‌گزینند؛ چرا که به سخن دیویس، بد غذایی و آلودگی محیط

زندگی آنان، سیستم ایمنی شان را سست و بی رمق کرده و ویروس، تنها ضربه آخر را می زند. ناگفته نماند که آلودگی محیطی را نباید تنها در کوچه و خیابان های فلان کشور آفریقایی جست، آلودگی در همه جای دنیا هست؛ یا به سخن بهتر، هر جا آدم تنگ دست باشد، آلودگی هم است.

مایک دیویس، زاغه ها، این سکونتگاه تهی دستان شهری را «کارخانه های ناخوشی» می نامد؛ چرا که در زاغه ها مانند سوله های حیوانات، هزاران انسان برهم انباشته شده اند و احتمال زیادی دارد که آنان به دلیل تماس نزدیک بیش از اندازه با یکدیگر، ویروس های مرگ بار جدیدی را تکامل دهند و این عامل های بیماری زا را به یکدیگر منتقل کنند. بله، غیر از گرسنگی، انباشتگی صرف زاغه ها نیز مرگ بار است.

وانگهی، مدفوع نیز سرشار از ویروس (از جمله ویروس کرونا) است و در محیط های آلوده همه شهرهای دنیا - حتی کالیفرنیا و لندن و پاریس - چه کسی می تواند دل آسوده باشد که با هر بادی که بلند می شود، ذرات مدفوع و ویروس به گلوش نشینند؟

هیولای کووید ۱۹ اکنون وارد خانه مان شده است؛ و این کتاب به طور علمی نشان می دهد که فقر چگونه آدم را به گشتن می دهد. هرچه می گذرد، خدمات درمانی در همه دنیا به گونه ای روزافزون، خصوصی تر و گران تر می شوند. پرسش این است: آن ۱ میلیارد نفر که در زاغه ها زندگی می کنند، آن ۱ میلیارد کارگر بدون بیمه (و آن بسیار انسانی که حتی در آمارها هم نمایندگی نمی شوند) چگونه باید درد خود را درمان کنند؟ شاید کسی بیندیشد که بیمارماندن تنگ دستان به زبان ابر سرمایه داران نیز هست؛ چرا که مرض آنان به اینان نیز سرایت می کند - ولی این دیدگاه خام اندیشانه است. کافی است تنها از نزدیک به شکل جدید شهرها بنگریم تا ببینیم که بین دارا و ندار شهری تماس چندانی وجود ندارد و بنابراین، ناخوشی ندارها، داراها را تهدید نمی کند. آیا هرچه فقر تنگ دستان افزون می شود، در همه دنیا، کوچه ها و خیابان های ورود ممنوعی که یک نگهبان نیز بر سر آنان ایستاده، یا شمار شهرک های اعیان نشین حاشیه شهرها

بیشتر نمی‌شود؟ مایک دیویس در کتاب دیگری به نام «سیاره زاعه‌ها» به این پرسش، پاسخ آری می‌دهد؛ او حتی می‌گوید پول دارهای برخی از کشورهای دنیا، خانه‌های خود در دل شهر را ترک می‌کنند تا به حاشیه شهرها بروند؛ چراکه در آنجا دیگر قرار نیست رُخ فقرا را ببینند. نئولیبرالیسم، دنیا را به سمتی برده که بین دارا و ندار نه تنها فاصله‌ای اقتصادی و اجتماعی، بلکه یک فاصله معنادار فضایی نیز پدید آمده است. تهی‌دستی به خودی خود تبدیل به یک جرم شده است و فقرا باید دوران محکومیت خود را در زندان زاعه‌ها، با کار اجباری (و بدون دستمزد درست حسابی) و بدون اجازه ملاقات به سر آورند.

جهان انسان‌ها دو پاره شده است و دیویس با کمک یک استعاره، الگوی کنونی جهان را الگوی تایتانیکی می‌داند: از یک فاجعه بزرگ (مانند شیوع کرونا)، بسیاری از مسافران درجه یک می‌توانند جان سالم به در برند، ولی مسافران درجه دو و سه هیچ شانس برای گریز نخواهند داشت.

کتاب «هیولا وارد می‌شود: کووید ۱۹ آنفولانزای مرگی و بلایای سرمایه‌داری»، نسخه‌ای است به‌روزشده (چاپ سال ۲۰۲۰) از کتاب «هیولا دم در است»^۱ که مایک دیویس در سال ۲۰۰۵ نگاشته بود. مقدمه بلند کتاب در دست که آوریل سال ۲۰۲۰ نوشته شده است، به کووید ۱۹ می‌پردازد و دیویس این بیماری را ادامه همان بیماری‌های ویروسی سال‌های قبل می‌داند و پیوند آن‌ها با سرمایه‌داری را برملا می‌کند. نویسنده در این کتاب، گذشته از کووید ۱۹، بارها به آنفولانزای مرگی و سارس و بیماری‌های دیگر می‌پردازد. درگیری این روزهای ما با کرونا نباید چشممان را به‌روی این واقعیت بیند که بیماری‌های دیگر و از همه مهم‌تر، آنفولانزای مرگی ریشه‌کن نشده، در جهان در حال گردش‌اند و هیچ دور نیست که روزی جای کرونا را بگیرند و به یک دنیاگیری بدل شوند.

در آذرماه سال ۱۳۹۹، یعنی همان روزهایی که جادوی تاریخ ۹۹/۹/۹ عقل از سرها پرانده بود، کمتر کسی دید که بنا بر اعلام خبرگزاری‌ها، در تالاب میقان

1. The Monster Enters: COVID-19, Avian Flu and the Plagues of Capitalism | 2. The Monster at Our Door

اراک و تالاب از باران فریدون کنار و تالاب سد میل مغان اردبیل، پرندگانی آلوده به آنفولانزای مرغی شناسایی شده‌اند. محل زندگی من با تالاب میقان تنها چند کیلومتر فاصله دارد و خوب می‌توانم غرض آنفولانزای مرغی را بشنوم؛ پس این حق را دارم که مانند مایک دیویس هشدار دهم هیولای آنفولانزای مرغی نیز دم در ایستاده است!

از مایک دیویس اثر بسیار مهم دیگری به نام «سیاره زاعغه‌ها» با ترجمه امیر خراسانی بیرون آمده است که می‌تواند مکمل خوبی برای این کتاب باشد. دیویس در آن اثر به سرشت، گونه‌ها، شرایط رشد و همچنین نکبت زاعغه‌های شهری می‌پردازد. مترجم آن کتاب، دلسوزانه پاورقی‌های زیاد و روشنگری را به کار برده که به فهم مطالب کتاب بسیار کمک می‌کنند.

در پایان، می‌خواهم از نیما داوودآبادی برای بازخوانی ترجمه و رفع اشکال‌ها و همچنین فراهم‌آوری پاورقی اصطلاحات پزشکی و زیست‌شناسانه و البته خانم یاسمین خلیقی برای کنکاش در چند جمله انگلیسی و رفع ایرادهای ترجمه سپاسگزاری کنم. شایان ذکر اینکه پاورقی‌هایی که در آخرشان نشانه «م.» آمده از مترجم است و پاورقی‌هایی که این نشانه را ندارند، از خود نویسنده هستند.

ترجمه این کتاب را به خواهرزاده‌ام آروین تقدیم می‌کنم که دوست دارم او و نسل او، رنگ هیچ هراسی را به خود نبیند، به‌ویژه فقر و زاعغه‌نشینی و دنیاگیری را.